



انترناسیونال ۴۰۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۰ مه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه | anternasional@yahoo.com | Fax: 001-519 461 3416 | جمعه ها منتشر میشود



فقط در روز سه شنبه و در اصفهان نیست که پیش می آید. همین دو

صفحه ۲

پاسخی به رژیم اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی

در مورد شانتاژ علیه يك کمپین مهم ضد اعدام

و انزجار و نفرت مان از این حکومت خون و جنایت اسلامی صد برابر شد. جانیان اسلامی به راحتی آب خوردن و با قلدری و خونسردی و شناعتی غیر قابل توصیف در مقابل مادر و همسر و وابستگان دو جوان آنها را کشتند و گفتند بروید اجساد را تحویل بگیرید. این واقعه متأسفانه

خانواده آنها نشان ندادند. دو جوان را با عجله اعدام کردند و گفتند دستور از بالا است همین! وقتی فیلم لحظات قبل و بعد از اعدام این دو جوان و ضجه و گریه افراد خانواده و اشک ریختن آرام جوانان در جلو زندان اصفهان را دیدیم، همه ما اشک ریختیم

مینا احدی

روز سه شنبه ۲۷

اردیبهشت در زندان مرکزی اصفهان دو برادر ۲۷ و ۲۸ ساله را اعدام کردند. در حالیکه حتی حکم اعدام و تایید این حکم توسط نهادهای حکومت اسلامی را نیز به اعدامیها و

نزاعهای درون حکومت و اعترافات خاتمی



کاظم نیکخواه

با بالاگرفتن دعوا و کشاکش میان باند احمدی نژاد و دیگر اصولگرایان، طیفهای متعدد دوم خردادی سابق امید یا کورسویی تازه برای بقا، و بازگشت به آغوش حکومت و خدمتگزاری به نظامشان یافته اند. برخی مثل گنجی به احمدی نژاد چراغ سبز دادند و تعدادی دست بیعت به خامنه ای دادند و شمار بیشتری هم منتظرند که سیر وقایع تصمیمشان را مشخص کند. بهررو خوشحالند که فعلا حاکمین در جبهه تازه ای مشغول جنگ و جدالند و "فتنه گران" را بدرجه ای راحت گذاشته اند. کل این تلاش و تقلاي دوم خردادیهای سابق و سناریوی آشتی و بازگشت به آغوش حاکمین بنا بر تمام واقعیات سیاسی جامعه و بن بست و در هم ریختگی فزاینده جمهوری اسلامی، بسیار سفیهانه است. اما اگر بفرض محال شانسی برای دوم خردادیها در نظر بگیریم، محمد خاتمی رئیس سابق قبیله که هیچگاه بند نافش را از خامنه ای و حامیان او نگسسته است و میان حمایت از خامنه ای و ملاحظت با "اصلاح طلبان" بند بازی کرده است قاعدتا مجاز است که فکر کند شانس بیشتری برای پذیرش دارد. او اکنون يك بار دیگر پا پیش گذاشته است که شانش را در دوره زیر ضرب قرار گرفتن احمدی نژاد بیازماید. او پیام جالبی به خامنه ای و شرکا دارد. میگوید اگر ظلمهایی به رهبر شده بخشد و اگر به ما ظلم شده نیز می بخشیم تا در کنار هم به جنگ مشکلات برویم. اما مشکلات چیست؟ خاتمی چند روز پیش یعنی روز ۲۲ اردیبهشت در میان "جمعی از رزمندگان دفاع

صفحه ۳

تظاهرات دهها هزار نفره علیه سیستم اسپانیا

بهر روز مهرآبادی

سیستم و نظام حاکم بر کشور اعلام کنند. این اعتراضات از روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت آغاز شد که در مادرید به درگیری با پلیس ضد شورش انجامید و بر

صفحه ۸

اول مه امسال و برافروختگی چپ خرده بورژوازی

در حاشیه نوشته ای از مظفر محمدی

در ایران بود. نقطه اوجش، اول مه سرخ و رادیکال در شهر سنندج بود که با شعار زنده باد سوسیالیسم، زنده باد آزادی و برابری در صدر

صفحه ۶

شهرلا دانشفر

اول مه امسال يك پیشروی مهم برای آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی

جنگ باندهای حکومتی و افشای چپاولههای نجومی

محمد شکوهی

اسلامی و باندهای شریک در قدرت، گروههای رقیب در رابطه با دزدیها بر علیه هم دست به افشاگری زده

در هفته های اخیر در میان جنگ و دعوای دولت و مجلس

صفحه ۸

بازتاب هفته

طرف سوم در دعوی ادغام وزارتخانه ها

نرخ جدید دیه اعلام شد!

بهر روز مهرآبادی

نشانه های سقوط

یا شار سهندی

انگلستان: نامه اعتراضی فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل به خامنه ای

راهپیمایی کارگران نساجی مازندران

صفحات ۵-۴

صفحات دیگر

بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

صفحه ۱۲

محمد و عبدالله فتحي در زندان اصفهان اعدام شدند!

صفحه ۱۰

مراسم تدفین محمد و عبدالله فتحي، يك همایش بزرگ علیه اعدام

پیام مهوش علاسوندی مادر عبدالله و محمد فتحي محمد و عبدالله فتحي در زندان اصفهان اعدام شدند!

صفحه ۹

سکینه محمدی آشتیانی بار دیگر به رسانه های

برزیل رفت

۲۵ اردیبهشت: طین مرگ بر دیکتاتور در دانشگاه تهران

اتحادیه وردی بزرگترین سندیکای مشاغل خدماتی آلمان خواهان آزادی فوری منصور اسانلو از زندان شد

صفحه ۱۰

فراخوان به تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان

جهانی کار دادند، صفحه ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پاسخی به رژیم اسلامی و ...

از صفحه ۱

ماه گذشته در شیراز و یزد و میاناب و رضائیه و تهران و کرج، این وقایع روزانه اتفاق افتاده است. اخیراً رژیم اسلامی جوانان را مجدداً در ملاء عام اعدام میکند و در مورد همه اینها اعلام میشود که "قاچاقچی مواد مخدر"، محارب و مرتد و یا به اتهام تجاوز به ناموس و ... اعدام شده اند. کمیته بین المللی علیه اعدام بارها اعلام کرده است که اعدام بهر بهانه و توجیهی غیر انسانی و ظالمانه است و باید در همه جای دنیا ممنوع شود. اما علاوه بر ضد انسانی بودن مجازات اعدام، کلا اعدامها در ایران صد در صد سیاسی است. رژیم و سران ریز و درشت آن، تصمیم میگیرند برای زهر چشم گرفتن از مردم هر بار که اعتراضی در استانی هست و هر بار که احساس خطر میکنند تعدادی را بکشند. در این حکومت هیچ سیستم قضایی و حقوقی وجود ندارد که اثبات کند فرد محکوم واقعا به چه اتهامی دستگیر و مجازات شده است. کافی است اسیر دست آنها بشوید، چنان میزنند و شکنجه میکنند و تهدید به تجاوز و بی حرمتی میکنند تا هر آنچه آنها میخواهند اقرار کنند. اینرا بارها و بارها صدها و هزاران نفر در زندانهای مخوف اسلامی تجربه کرده اند. فعالین سیاسی همچون فرژاد کمانگر و حبیب لطفی و شیرکو معارفی و زنان زندانی همچون شهلا جاهد و کبرا رحمانپور و یا سکنه محمدی آشتیانی و غیره تنها نمونه هایی از این نوع هستند. صدها و هزاران نفر دیگر اعدام شده و گننام مانده اند و رژیم آنها را به عنوان قاچاقچی و غیره به قتل رسانده است. در این حکومت، سیستم قضاوت قرون وسطایی و ظالمانه و در عین حال سیاسی و مبتنی بر ترساندن مردم است. محکوم کردن انسانها به مرگ، ساده ترین کاری است که حاکمان اسلامی روزمره انجام میدهند. با اتکا به چند ورد و قانون کذایی اسلامی، آخوند و قضاتی که اسم واقعی آنها قاتل و آدمکش است، به راحتی آب خوردن و صرفاً با اتکا به تصمیمات سیاسی از پیشی، افراد را به اعدام محکوم میکنند.

اسلامی از روز اول تا کنون و تمام فرماندهان سپاه پاسداران و همه سران ریز و درشت رژیم باید فوراً اعدام شوند؟ چرا که هم مسلح هستند و هم سارق. سارقین میلیاردها دلار پول مردم ایران، که تنها یک نمونه آن ۱۸ نیم میلیارد دلار بود که به ترکیه رسید. اما من مخالف اعدام هستم. مثل شما اصلاح طلبان حکومتی دابل مورال نیستیم. میگوییم این حکومت را باید سرنگون کرد اما موافق اعدام هیچکدام از سران رژیم هم نیستیم. ما میگوییم جلوی اینکه مردم در هر خیابانی آخوندی را با عمامه خود او به دار بکشند را باید گرفت.

میدانم که نقد به حکومت اسلامی و اعدام و مقابله با سنگسار برای شما زبانی رادیکال است. چرا که خانه ای که از آن به زور اردنگی بیرون رانده شده اید، کماکان کعبه آمل شما است. ما میدانیم که دعوی شما با جناح حاکم بر سر جا و مکان و چاییدن و ثروت و قدرت و حفظ این خانه است. بله ما میدانیم که این خانه خون آلود را شما با دستهای خودتان ساخته اید. ما میدانیم که از روز اول بنیاد این خانه جنایت و فساد و لپنیزم و بی شرمی اسلامی، با عرق جبین شما ساخته شده است. ما میدانیم که شما روزی طناب دار به گردن ما می انداختید و با همین توجیهات، "سارقین مسلح" را اعدام میکردید. و امروز هم ما و هم شما میدانستیم که موضوع بر سر ساکت کردن مردم معترض است. ما همان موقع در مقابل شما همین سیاست را دنبال کردیم که امروز در مقابل جناح حاکم رژیم اسلامی دنبال میکنیم. در دوره خاتمی جلال که امروز از طرف مردم از "رهبر جلاتان" عنبرخواهی میکند، مریم ایوبی را در زندان اوین سنگسار کردند در حالی که او از ترس بیهوش شده بود و با برانکار او را به محل اجرای حکم بردند و سنگسار کردند. در دوران خاتمی جلال، ما بارها علیه احکام اعدام کمپین گذاشته و همین جوابها را از دولت "فخیمه اصلاحات" شنیدیم که "اراذل و اوباش" را باید به دریا انداخت. در حالی که اراذل و اوباش در راس رژیم اسلامی نشسته اند. پاسخ من به شانتاژ های اصلاح طلبان حکومتی در مورد

کمپین اعتراض به اعدام عبدالله و محمد فتحی این است که من هم میدانم که بند ناف شما به این حکومت بسته است. اگر این کاخ ستم ویران شود، همه شما باید پاسخگو باشید در یک دادگاه بین المللی البته بدون حکم اعدام باید بر صندلی متهم بنشینید و جوابگوی اعمال خود باشید. همه کسانی که به ساختن این دستگاه وحشت و جنایت کمک کرده اند از بازگان و سازگارا و گنجی و بنی صدر تا خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و موسوی و کروبی از لاجوردی و احمدی نژاد و سروش تا حاج داوود و مهاجرانی و مخملباف و غیره همه اینها باید پاسخ دهند چه کردند و چه نقشی در سازمان دادن و پیشبرد جنایات و هولوکاست اسلامی داشتند. بنابراین آنهایی که مرده اند باید جنایاتشان روشن شود و آنهایی که زنده اند باید پاسخگو جنایاتشان باشند. مردم ایران فراموش نمیکند دورانی را که بنی صدر دستور قتل و کشتار مردم کردستان و ترکمن صحرا را داد. همچنانکه فراموش نمیکند دورانی را که موسوی و کروبی و گنجی و سروش و خاتمی و غیره در مسند قدرت این ماشین جنایت بودند. در سایتهای اینترنتی میفرمایید اینها را سیاسی جا زدند و یا این دو جوان را در لیست شهدای جنبش سبز گذاشتند و از این اعلام برائت میکنند. سوال من اینست شما از کجا مطمئن هستید که اینها سارق بودند؟ بدلیل اینکه رژیم اسلامی اینرا ادعا میکند؟ چرا رگ گردنتان در مقابل ادعای حکومتی که خودتان هم میدانید با شکنجه و تجاوز اقرار میگیرد و این روش را در مورد شما دوستان قبلی خود نیز بکار برده و میبرد، بالا نمیزند و زور بازوی خودتان را مجدداً در مقابل ما اپوزیسیون نشان میدهید؟ در خاطرات خود شاید به دوران خوش گذشته باز میگردد که دوستان ما را با همین اتهامات می کشید.

آقایان و خانمهای مدافع خمینی و رژیم اسلامی! مطمئن باشید که دوران همه شما بسر رسیده است. اگر میخواهید بار گناهان خود را کمی سبک کنید به نفعتان است که دست از سر مردم

ایران و جانباختگان راه آزادی و حرمت انسانی نیز بردارید. چه کسی به شما اجازه میدهد ندا و صدها جانباخته راه آزادی را مصادره کرده و از جانب آنها حرف بزنید در حالیکه خود شما در دوران صدارتتان در دهه شصت و بعداً هم صدها و هزاران ندا را به قتل رسانده اید؟ آیا جوان ۱۷ ساله اعدام شده دوران موسوی هم جزو این شهدای جنبش سبز شما هست؟ آیا کمونیستها و مجاهدان اعدام شده در دوره خمینی جلال جزو لیست شهدای شما قرار میگیرند؟ آیا کمونیستها و انسانهای شریفی که در خاوران آرمیده اند جزو این لیست شما هستند؟ اگر نیستند پس به نفعتان است که فعلاً خفقان بگیرید. البته من میدانم که شما امروز رگ گردنتان بالا زده است زیرا در راس بسیاری از اعتراضات انقلابی و آزادیخواهانه در ایران و علیه اعدام و ماشین کشتار رژیم تان، کمونیستهایی هستند که علیه اعدام و سنگسار و علیه کلیت حکومت اسلامی شما میباشند. میفرمایید ما از حکومت رو دست خوردیم در این مورد و بدون اطلاعات کیس را سیاسی و یا دو برادر را سیاسی نامیدیم. جهت اطلاع شما از همان لحظه اول که به مادر این دو جوان گفتند بیا دم در زندان در جزئیات این موضوع بودیم و من همانند مادر و پدر این دو جوان گفتم و میگویم به دادگاه و قاضی و دم و دستگاه حکومت اسلامی اعتماد ندارم. حتی اگر این دو جوان سرقت مسلحانه هم کرده باشند، نباید اعدام میشوند.

می فرمایید این دو جوان سیاسی نبودند و اعدام حقشان بود! آقایان و خانمهای مدافع موسوی و کروبی و خاتمی و مهاجرانی و ... بستگی دارد سیاسی بودن را چه چیز معنا کنید. قبلاً شما که در قدرت بودید تا توانستید همه فعالین سیاسی و مخالفین خود را به دار آویختید. اکنون که خود را به ظاهر مدافع سیاسیون میخواهید قلمداد کنید، من در جوابتان میگویم همه مردم ایران و همه جوانان معترض به حکومت اسلامی سیاسی هستند. سیاسی بودن در قاموس شما شامل کسانی است که قبلاً با حکومت اسلامی بوده و الان از آنجا با تیپا

نزاعهای درون حکومت و ...

از صفحه ۱

مقدس" تصویر بسیار جالبی از معضلات جمهوری اسلامی میدهد. او که در این چند سال چهار جمله حرف روشن و صریح نزده در مورد مشکلات اعترافات روشن و صریحی مینماید. او اعتراف میکند که کل مساله اینست که مردم علیه حکومتند و سانسور و سرکوب راه بجایی نمیرد و دلسوزان نظام باید به هم پشت دهند و راهی بجویند. این اعترافات او براساس تاییدی صد در صد بر آن واقعیتی است که ما مدام بر آن تاکید گذاشته ایم و آن اینکه مساله اصلی تمام جناها و باندهای حکومت خشم و نفرت مردم علیه حاکمین است و این واقعیت است که آنها را به جان هم می اندازد و نه بر عکس. حرفهای خاتمی را باید بعنوان اعترافات بخشی از حکومتیان ثبت و ضبط کرد:

۱- او در مورد استقبال مردم از کانالهای ماهواره ای اینطور میگوید "اخیرا یکی از دوستان میگفت به یک روستای ۹۰ خانواری رفته بود و از پشت بام ۸۰ ماهوار را شمرده است". یعنی بالغ بر ۹۰ درصد مردم حتی در روستاها ماهواره های ممنوعه را علیرغم تمام فشارها و لشکرکشیهای حکومت نگاه میکنند.

۲- در مورد سانسور میگوید "امروز هیچ کس نمی تواند جلوی حرف حق و یا ناقح را بگیرد. تعبیر انفجار اطلاعات درست است و انقلاب سایبری و انقلاب الکترونیکی کل مرزها را برداشته است"

۳- در مورد دوره وزارت و سانسورچی گری خود و خدماتش به

خوانی خاتمی میتواند به هر ناباوری نشان دهد که معضل جمهوری

اسلامی چیست و چرا حکومت از یک جنگ و جدال تمام نشده، بناچار وارد جنگ و نزاع بعدی میشود. مساله دقیقا اینست که جمهوری اسلامی امکان کنترل مردم را ندارد. در دریایی از خشم مردمی قرار گرفته است که از کل حکومت منزجرند، در این دوره ارتباطات جهانی به اطلاعات دسترسی دارند، به کانالهای تلویزیونی نظیر "کانال جدید" و دیگر کانالهای سیاسی مرتبطند، با هم ارتباط برقرار میکنند و مصممند که کار این حکومت را تمام کنند. اینجاست که جنگ سناریوها و راه حلها مدام بیرون میزند، و کسی خط کسی را

نمیخواند، و در عین حال بلسبویی ایجاد میشود که بالاخره دزدهای بالای حکومت میخواهند از چند صباحی که مانده است و بزعم خود فرصتی دارند، قدرت را هرچه بیشتر در دست خود قبضه کنند و بیشترین سهم را از ثروتهاى جامعه بالا بکشند. یعنی جنگ بالایی ها هم جنگ بر سر سناریوهای حفظ نظام است و هم جنگ و رقابت باندهای مافیایی حکومت. و همین واقعیت است که تلاش و تقلاى امروز خاتمی و دوم خردادها برای آشتی و بازگشت به دامان حکومت و صلح با جناح حاکم را بشدت مسخره و سفیهانه و مذبحخانه مینماید. خاتمی آشکارا دارد از خامنه ای تمنا میکند که در این شرایط سخت که حتی احمدی نژاد خطش را نمیخواند، او خودیها یعنی امثال موسوی و کروبی و شرکا را عفو کند و آنها هم حاضرند او را ببخشند. و مردمی که هزاران نفر از عزیزانشان را از دست داده اند و از

پاسخی به رژیم اسلامی و ...

از صفحه ۱

بیرون رانده شده اند. نخیر این نشد. کسی به شما این اجازه را نمیدهد. این تعریف سیاسی بودن در بین شما اصلاح طلبان حکومتی است و در این مورد نیز با تکبر و نخوت بقیه مردم ایران را سیاسی نمیدانید. بهمین دلیل حتی در زندان نیز حق ویژه میخواهید و خود را بالاتر از "عوام" قرار میدهید. بهمین دلیل در مورد اعدام زنانی همچون شهلا جاهد سکوت میکنید و در مقابل

کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی و یا همین کمپین علیه اعدام برادران فتحی عملی ایستید و از قوانین رژیم تان دفاع میکنید.

مردم آزاده ایران، خانواده محترم فتحی!

اجازه دهید از سوی همه شما در دفاع از حق حیات و حرمت انسان به این حملات سفیخ و زدیلاته علیه یک کمپین بزرگ که بعد از قتل دو فرزند عزیز شما راه افتاده، به حملاتی که جلوی رشد این حرکت را میخواهد بگیرد، به حکومت اسلامی ایران و دنباله چیه های حکومت و اصلاح طلبان حکومتی که از آنجا رانده و از اینجا مانده اند، بگویم که اعدام در ایران امروز موضوعی سیاسی است. ما هیچ ادعایی در مورد اتهامات این دو نفر

همه "دلسوزان نظام" منزجرند، باید این تلاش و تقلاى کثیف و این پیامهای زدیلاته و در عین حال زبوانه را بشنوند و قدرت خویش را ببینند و بطور قطع و بطور شفاف و روشن، کل حکومت را نشان روند. این بار با خیزش علیه حکومت نباید

فرجه ای برای هیچکدام از جناحهای حکومت باقی گذارد که بتوانند در مسیر پیشروی مردم وقفه ایجاد کنند و خیزش و مبارزه آنها را به انحراف بکشانند. این را ما مدام تاکید کرده ایم و امروز صدبار بیشتر جا دارد که مورد تاکید قرار گیرد.*

مشروعیتی ندارد و باید نمایندگان آن نیز از همه مراجع بین المللی از جمله از سازمان جهانی کار آی ال او، اخراج گردند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۱۷ مه ۲۰۱۱

از مردم را در فقر نگه داشته است، آپارتاید جنسی را به زنان تحمیل کرده است، تجاوز به مخالفین در زندانها را سازمان میدهد، قوانین قرون وسطائی قطع عضو و پرتاب از بلندی و سنگسار را اجرا میکنند، و ترور صدها نفر از مخالفین را در خارج کشور سازمان داده است و بخاطر دستگیری و شکنجه فعالین کارگری، از نظر مردم ایران هیچ

تظاهرات اتحادیه های کارگری فرانسه در حمایت از کارگران ایران

۵ اتحادیه کارگری فرانسه در حمایت از کارگران ایران در مقابل سازمان جهانی کار

تظاهرات برگزار میکنند

میگنارد، از آن پشتیبانی کرده و در آن شرکت خواهد کرد و همه احزاب و سازمانهای سیاسی، فعالین کارگری و مردم آزاده را به حمایت و شرکت در این آکسیون فرا میخواند.

جمهوری اسلامی ایران بخاطر اعمال بیش از سه دهه جنایت علیه مردم ایران، بخاطر آنکه بیش از نیمی

مستقل، UNSA تظاهراتی روز نهم جون در اعتراض به جمهوری اسلامی و در حمایت از کارگران ایران در مقابل سازمان جهانی کار برگزار میگردد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران این اقدام اتحادیه های کارگری فرانسه را ارج

به فراخوان ۵ اتحادیه سراسری کارگری در فرانسه؛ کنفدراسیون سراسری کارگران فرانسه CGT، کنفدراسیون دمکراتیک سراسری کارگران CFDT، اتحادیه همبستگی فرانسه FSU، اتحادیه دمکراتیک همبستگی SUD، اتحادیه ملی سنندیکاهای

انترناسیونال را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

بازتاب هفته

طرف سوم در دعوی ادغام وزارتخانه ها



بهروز مهر آبادی

اقتصادی رژیم دانست، سایه کارد بر سر دهها هزار کارکنان دولت افتاده است. از طرف دیگر ادغام و حذف بعضی از وزارتخانه ها را می توان در ادامه سپردن امور زندگی مردم به دست ارگانهای نظامی از قبیل سپاه و بسیج و باند های مافیائی اقتصادی دانست.

تاکنون ادغام وزارتخانه های رفاه و کار، راه و ترابری و مسکن و شهرسازی، بازرگانی و صنایع و معادن مورد تصویب دولت قرار گرفته است. با تصویب مجلس شورای نگهبان برای تاسیس وزارت ورزش باید دو وزارتخانه دیگر حذف شود تا تعداد آنها به رقم ۱۷ برسد. تاسیس وزارت ورزش در دی ماه گذشته به تصویب رسید ولی احمدی نژاد تاکنون از انجام آن خودداری کرده است. صنعت ورزش و درآمد های سرشار آن در دست باند های مافیائی است با تاسیس وزارت ورزش مجلس می تواند بر آن کنترل داشته باشد و سهم خواهی کند و باند احمدی نژاد نمی خواهد این عرصه را به سادگی از دست بدهد.

بهانه رژیم برای کاهش وزارتخانه ها بالا بردن کیفیت و "چابک سازی" آنها است، اما برنامه ریزی برای کاهش ۳۵ درصد از کارکنان دولت خبر از وضعیت بحران اقتصادی رژیم در شرایط حاضر و بالا رفتن آمار بیکاری در آینده نزدیک می دهد. عملی شدن این طرح و بیکار سازی هزاران نفر هیژم بیشتری را برای بالا گرفتن آتش خشم و نفرت مردم به جمهوری اسلامی، فراهم می کند. کشمکش بر سر تجدید سازمان وزارتخانه ها هر چند موضوع اختلافات جدی بین باندهای حکومتی است اما این دعوا طرف سومی هم دارد، هزاران نفری که در معرض بیکارسازی ها قرار دارند، خواسته های خود را در مجلس و یا کزیدورهای دولت و دهلیزهای بیت رهبری مطرح نخواهند کرد. آنها حرف های اثباتی خود را در خیابانها و در اجتماع های میلیونی می زنند و تمامیت جمهوری اسلامی را به چالش خواهند کشید. *

نرخ جدید ديه اعلام شد!

بهروز مهر آبادی

"معاون قضائی رضا طالبی زاده دادگستری استان کرمان نرخ يك فقره ديه كامل مرد مسلمان را نهصد ميليون ريال اعلام كرد". گویا این نرخ چند درصد نسبت به قبل افزایش یافته است! مبنای این قیمت گذاری را باید در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، پیدا کرد که بر اساس آن ديه قتل مرد مسلمان می تواند بر اساس انتخاب یکی از امور ششگانه باشد: یکصد شتر یا دویست گاو و یا هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد، یا دویست دست لباس از حله های یمن و یا يك هزار دینار مسكوك و ... این مبلغ در ماههای حرام به میزان يك سوم افزایش می یابد. این خبر و جزئیات آن از روی سنگ نوشته های باقیمانده از ۱۴۰۰ سال پیش یا از متن داستانهای هزار و يك شب و احکام صادره از خلفای عهد دقینانوس نقل نشده. این خبری است که خبرگزاری ایسنا از قول يك مقام معتبر قضائی جمهوری اسلامی نقل کرده و جزئیات آن مبنای کار دادگاههای جمهوری اسلامی است. پیدا کردن "شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد" و "لباس از حله های یمن" در سالهای اولیه پس از قدرت گیری جمهوری اسلامی از مشغله های عظیم دست اندرکاران نظام را تشکیل می داد و اینکه چگونه بتوانند عقب مانده ترین و تهوع آورترین قوانی جزائی قبایل عصر حجر را به قامت يك جامعه متمدن و مدرن قرن بیستم درآوردند و سرانجام پس از چند سال بحث و جدل به این نتیجه رسیدند که هر سال فهرست قیمت انواع ديه را به واحد پول جمهوری اسلامی تبدیل کرده و آنرا بعنوان مبنای کار انتشار دهند. قیمت پایه و واحد در این فهرست بر مبنای جان يك مرد مسلمان تعیین شده و بهای اجزای بدن، زن و افراد غیر مسلمان بعنوان کسری از این واحد محاسبه می گردد. برای نمونه ديه قتل زن نصف ديه مرد است. در فرهنگ متمدن جهان امروز بررسی، قضاوت و صدور حکم برای ناهنجاری های اجتماعی، آنچه که "جرم" تلقی می شود و

صدمات وارده از این ناهنجاری ها به اشخاص امری کاملاً اجتماعی و بدور از روابط، احساسات و منافع شخصی به حساب می آید و جبران خسارت و تامین زندگی صدمه دیدگان از این ناهنجاری ها و "جرم" ها وظیفه جامعه است. در حالی که دولت های مختلف بر اساس توافقنامه های هر چند ناکامل و نارسای بین المللی سعی دارند در انتظار عمومی قوانین و سیاست خود بر این مبنا وانمود نمایند، جمهوری اسلامی از معبود دولت هایی است که با وقاحت تمام قوانین دوران توحش را رسماً انتشار داده و مبنای سیاست خود اعلام می کند. سیاستی که انسانها را به منزله اشیائی تلقی می کند که می توان بر

روی اعضای آن قیمت گذاشت و بر سر آن چانه زد. قیمت گذاری برای زندگی انسانها و اعضای بدن آنها، آنهم بر اساس مذهب و جنسیت آنها، نمایشگر اوج عقب ماندگی حکومتی است که بیش از ۳۱ سال بر زندگی میلیونها نفر تسلط دارد و تلاش کرده است تا مناسبات قبیله ای و توحش ۱۴ قرن پیش را بر ایران حاکم کند. فقط این سند کافی نیست تا جهان متمدن را بر علیه حکومت جهل و جنایت اسلامی بشوراند؟*

انگلستان: نامه اعتراضی فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل به خامنه ای

مداوای لازم قرار نگرفته است. خانواده و همکاران این دو شدت نگران این موضوع هستند.

دولت ایران در ماه مه گذشته در جواب به کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار (ILO)، اعلام کرده بود که منصور اسانلو بزودی آزاد خواهد شد، ولی این وعده هیچوقت تحقق پیدا نکرد. در عین حال ITF به همراه اتحادیه های کارگری بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق بشر، همواره خواهان آزادی فعالین سندیکایی از جمله منصور اسانلو، رضا شهبانی ابراهیم مددی بوده اند. سندیکاهای کارگری عمده ای به منصور اسانلو عضویت افتخاری داده اند و سندیکاهای دیگری نیز در نظر دارند این کار را انجام دهند. ما بنابراین یکبار دیگر قویا از شما می خواهیم که بدون فوت وقت، امکانات درمانی در اختیار منصور اسانلو و رضا شهبانی، همزمان با تدارک آزادی آنها قرار دهید.

به گزارش ITF روز چهارشنبه ۱۱ مه دبیر کل فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل این فدراسیون آقای David Cockroft نامهای اعتراض آمیز در رابطه با وضعیت سلامت منصور اسانلو و رضا شهبانی برای خامنه ای فرستاده است. وی در این نامه گفته است: از طرف ۴،۶ میلیون کارگر حمل و نقل و اتحادیه هایشان در سراسر دنیا این نامه را به شما مینویسم تا نگرانی عمیق خود را از وضعیت جسمانی منصور اسانلو و رضا شهبانی ابراز کنم. دو نفری که بدلیل فعالیت سندیکایی بطور ناعادلانه در زندان بسر میبرند. مطلع شدیم که منصور اسانلو دوباره از ناراحتی جدی قلبی رنج میبرد و روز اول مه به بیمارستان منتقل شده است و پزشکان وی گفته اند که او سریعاً به عمل جراحی احتیاج دارد. در رابطه با رضا شهبانی با خبر شدیم که او چندین بار دچار خونریزی بینی شده است، ولی با وجود درخواست مداوم، تحت

راهبیمایی کارگران نساجی مازندران

روز ۲۹ اردیبهشت، کارگران نساجی مازندران در قائم شهر، در اعتراض به ۱۰ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مرکز این شهر دست به راهبیمایی زده و در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. این کارگران با در دست داشتن پارچه

نوشته هایی با مضمون «مطالبات ۱۰ ماهه ما را پرداخت کنید، خواهان دستمزدهای معوقه خود شدند. در این نساجی حدود ۱۰۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند که از سال ۸۸ به مدت ۶ ماه، ۸۹ به مدت ۳ ماه و ۹۰ به غیر از ماه جاری يك ماه و جمعا ۱۰ ماه حقوق و عیبدی و پاداش طلب دارند. اعتراض کارگران ادامه دارد.

اساس سوسیالیسم انسان است!

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری میرمترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین

تقلب را صادر فرمودند! در فردای انتخابات، احمدی نژاد مانند همه شاگردان قدر شناس بلافاصله به دست بوسی ایشان رفت. اما حالا روزگار برای احمدی نژاد برگشته و مراد باور نمی کند که مریدش اینگونه متمدن شده باشد. او این اتفاق را طبیعی نمیداند آیت الله میگوید: "یک وقتی به برخی از دوستان نزدیکم گفتم که بیش از ۹۰ درصد معتقدم که او سحر شده است! این وضعیت ابداً طبیعی نیست. ... هیچ آدم عاقلی چنین کارهایی نمی کند، مگر آنکه اختیار از او سلب شده باشد. این کارها هیچ توجیهی ندارند." اینها همه اعتراف به شکست پروژه "احمدی نژادیسلم" است. کسی که قرار بود "سالمهای خوش دهه ۶۰ یعنی دوره خمینی را احیا کند" خود به دمل چرکینی تبدیل شده است که ترکیده است و کشفیات این نظام متعفن را پیش چشم جهانیان به تماشا گذاشته است. اکنون دیگر نفس وجود جمهوری اسلامی برای همگان به زیر سوال رفته است "احمدی نژادیسلم" در تسریع این روند بسیار موثر بود این پدیده منجر به این شد که در سال ۸۸ توده مردم به خیابان بیایند و نابودی اصل ولایت فقیه را خواهان شوند و این درخواست به قوت خود باقی است. (فقط به اعتراضات دو ماه آخر توجه کنید) اگر روح احمدی نژاد را اجنه تسخیر کردند اگر آیت الله ها هر چه ورد میخوانند بی اثر است همه شمر فشار خرد کننده ای است که مبارزات مردم به این حکومت وارد کرده است. اگر خامنه ای بر خلاف همیشه که میگفت عدالت برقرار است فقط یک جهان اقتصادی کم دارد! میگوید عدالت برقرار نیست و ایشان ناراضی است نه تنها میخواهد حال احمدی نژاد را بگیرد که دو روز قبلش مدعی شده بود ایران تنها جایی است که کسی شب گرسنه سر بر بالین نمی گذارد بلکه اعتراف به این است که تهدید عظیمی نظام الهی ایشان را تهدید میکند. احمدی نژاد مهره سوخته این حکومت است. اما این فقط احمدی نژاد نیست که سوخته است. روی کار آمدن او از ابتدا هم "نشانه ظهور" سقوط جنبش اسلامی در ایران بود و اکنون فقط زمان سقوط فرا رسیده است.*

بازتاب هفته

نشانه های سقوط

یاشار سهندی

هم کرده است البته ظاهراً مشایبی هدف است. ایشان با اشاره به قتل محمد علی باب (پیامبر بهائیان) میگوید محمد علی باب جدیدی در حال ظهور است: "حالا اگر یک کسی ریاست داشته باشد (منظور احمدی نژاد) ، پول هم در اختیارش باشد و سوابقی را هم که ایشان دارد، داشته باشد، هیچ بعید نیست که روزی بیاید و بگوید من هرچه دارم از این آدم (مشایبی) دارم و همه خدمات من به حساب اوست که از پشت پرده، مملکت را اداره می کرد و با امام زمان(عج) هم ارتباط داشت! آخرش میوه اش این شود که سید علی محمد باب جدیدی در کشور پیدا شود! " مصباح یزدی آیت اللهی بوده که خود از "پشت پرده" بسیاری کارها را کرده که نمونه بسیار گویای آن فتوای قتل قربانیان قتلهای معروف به قتلهای زنجیره ای را بنا به شواهد ایشان صادر نمودند و در قتلهای زنجیره ای دیگری در کرمان که ۱۰ سال پیش اتفاق افتاد، مردان و زنانی به دست چند بسیجی به طرز فجیعی کشته شدند آیت الله در بالای منبری فتوا دادند اگر کسی سه بار بیشتر منکری را ادامه داد خونش مباح است. اطرافیان جناب مصباح دارند زمینه های مباح شدن خون مشایبی و اگر افاقه نکرده و جادو باطل نشد خود احمدی نژاد را هم فراهم میکنند. یکی از دیگر شاگردان ایشان حجت اسلام غروی نامی و فرزند خود آیت الله تاکید کردند احمدی نژاد شاگرد ایشان نبوده اند بلکه پا منبری بودند و لایذ فردا میگویند همین هم "تظاهر" بوده و پس فردا میگویند ایشان هم فراماسون هستند و الی آخر!

گویا جناب مصباح یزدی هم از نظر کرده های امام زمان هستند که خمینی چندان التفاتی به ایشان نداشته اما خامنه ای جبران مافات کرده است و مصباح یزدی به تئوری پردازان مهم این جناح حکومت تبدیل شده است و شاگردی ایشان برای هر کدام از سران این جناح حکومت گویا افتخاری است. ایشان کسی بود که در جریان انتخابات به نفع احمدی نژاد وارد شد و گویا فتوای حلال بودن

"احمدی نژادیسلم" شاخه ای از فاشیسم نوع اسلامی آن بود که به پایان خود رسیده. "نشانه های ظهور" این سقوط بروز پیدا کرد است. ترمز احمدی نژاد از دستور خامنه ای به نظر میرسد "امداد غیبی" بود که تا پر و بال احمدی نژاد را بچینید اما به واقع با دست خود پر و بال کل نظام را دارند میچینند. احمدی نژاد کسی نبود که با یک تشر آرام گیرد و خم ابروی آقا، ایشان را ساکت کند بلکه چنان ترش روی به آقا و همه حامیانش نشان داد که همگی شان معتقد شدند که احمدی نژاد را جادو کرده اند یا جن کافری روح ایشان را مسخر ساخته است. علی مطهری میگوید: رحیم مشایبی بگوید بمبر ایشان میمرد! آیت الله مصباح یزدی که معروف به پدر معنوی احمدی نژاد است و میگفتند (حالا نمی گویند!) که احمدی نژاد مرید و شیفته ایشان هستند درباره شاگرد خود میگوید: غلط نکنم او بوسیله رحیم مشایبی جادو و جنبل شده است! و مشایبی فراماسون است. (نقل به معنی) ایشان نگران شده که چرا احمدی نژاد که به زعم ایشان "بزرگترین استراتژیست عالم" است اینگونه از یک نفر، آنهم اینگونه دفاع میکنند که همه دوستان را رنجانده و کار را به آنجا رسانده که در مقابل مقام عظمای ولایت ایستاده است. ایشان حدس میزند که سحر و جادو باید تو کار باشد و این نشانه های یک بیماری میداند که "دورنمای تاریکی" را جلو روی نظام جمهوری اسلامی گشوده است. ایشان تاکید میکنند: "حساسیت بنده فقط روی بعد فکری قضیه است، اما اینها هم موضوعات مهمی هستند. وقتی همه اینها را کنار هم قرار می دهیم، دورنمای تاریکی ترسیم می شود... که این جریان، عادی نیست، اینها بیماری است. اگر کسی راهش را بلد است، باید بیماری را علاج کرد و بیمار را نجات داد، والا باید تلاش کرد که خطر این جریان گسترش پیدا نکند." مصباح یزدی تلویحا تهدید به قتل

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

زنده باد سوسیالیسم!

اول مه امسال و برافروختگی ...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

راهشان را از سازمانهای سکتاریستی و فرقه‌ای و من اضافه میکنم ضد کارگری جدا کرده اند و سرنوشت مظفر محمدی و حزب متبوعش دارد این را آشکارا نشان میدهد. اما قبل از اینکه بیشتر به سکتاریسم این جریان بپردازیم بگذارید ببینیم مساله ایشان چیست. چه اتفاقی افتاده است که ایشان خوش اینچنین به جوش آمده:

او بهانه اش اینست که در اول مه در سنندج دو تجمع کارگری برگزار شده است. و همین برای او مجوزی است که دست به حمله به نقطه قوت کارگران و اقدام مهم آنها در زیر تیغ جمهوری اسلامی بزند. او میگوید چرا بجای اینکه هزاران نفر جمع شوند چند صد نفر جمع شدند. و این گویا نه نتیجه سرکوب و خفقان و حکومت نظامی جمهوری اسلامی در اول مه های هرسال، بلکه گناه خود کارگران و تشکلهای کارگری است. تازه در این مورد هم آن بخش از کارگران و تشکلهای کارگری را مورد حمله قرار میدهد که کاری کرده اند. و آنها که در این تجمعات و مراسم بهر دلیلی نبوده اند مورد خطاب و حمله او نیستند. اگر حتی منطق این جناب و پیش فرضهایش را تماما قبول کنیم فقط باید نتیجه گرفت که این حزب و رهبریش اگر بفرض ریگی در کفش نداشته باشد و جدال و پیشروی کارگران اعصابش را خرد نکرده باشد، کلا از فضای جامعه و تلاشهای کارگران بی خبر و پرت است. اخبار و گزارشات دریافتی ما همچنین منتشر شده از منابع مختلف که مظفر محمدی هم قاعدتا میتواند به آنها دسترسی داشته باشد حاکی از این است که در اول مه امسال ما شاهد جنب و جوش بیسابقه ای برای برگزاری اول مه بودیم. در تهران و کرج و سنندج و شهرهای مختلف کردستان کارگران جمع های کارگری از قبل از این روز در جمع هایی بیرون از شهرها به استقبال این روز رفتند. یک نمونه این جنب و جوش روز ۹ اردیبهشت بود

آن اینکه زیر تیغ جمهوری اسلامی و در فضای حکومت نظامی و دستگیر کردن ها و غیره توانستند بیش از دو هزار کارگر را در مرکز شهر سنندج جمع کنند و روز جهانی کارگر را جشن بگیرند. طبعاً این همه کارگران موجود هم در قطعنامه های این روز و شکل دادن به این حرکت حضور نداشتند. اما این رادیکال نمایی کودکانه و سطحی که چرا هزاران نفر کارگر جمع نشدند و چرا همه تشکلهای کسانی میخورد که دستی از بسیار دور بر آتش دارند و دردی جز فرقه خویش ندارند.

جالب است هفت تشکل کارگری در اقدامی مهم جمع شدند، قطعنامه دادند، مظفر محمدی، درست این نقطه قدرت اول مه امسال را زیر حمله قرار میدهد. حرفش هم اینست که چرا فلان نهاد و فلان تشکل در این لیست نیستند. بسیار خوب شما که ادعای کارگر کارگری تان گوش فلک را کر میکند زحمت بکشید و بروید بقیه را هم بیاورید. اینکه چگونه اینهمه تشکل و نهاد جمع میشوند، و با چه مشکلاتی باید دست و پنجه نرم کنند، ایشان روحش هم خیر ندارد. استدلالش هم اینست که تهدیدات و سرکوب رژیم نقش چندانی در برگزاری اول مه نداشته و تعیین کننده نبوده است. مظفر محمدی ظاهراً اصلاً ندیده و خبر ندارد که امسال کارگران چگونه با ایستادگی و یافشاری خود عزم جزم خود را برای دست یابی به زندگی در خور انسان نشان دادند. علی‌رغم سرکوب و فشار و تهدید جمهوری اسلامی ایستادند، جنگیدند و تلاش کردند این روز مهم را گرامی دارند. جهت اطلاع ایشان باید بگویم که کارگران در این روز اعلام داشتند که با مجوز یا بی مجوز این روز را گرامی خواهند داشت. یک نمونه آن پاکدشت کرج بود. یک نمونه دیگر اهواز بود که بیش از ۵۰۰ کارگر در مقابل کارخانه لوله سازی این شهر جمع شدند و جمهوری اسلامی مانع پیوستن مردم به صف کارگران شد. در سنندج نیز جمهوری اسلامی قبل از اول مه رهبران کارگری را دستگیر کرد، تهدید کرد و از آنها خواست که تعهد دهند که در مراسم این روز

شرکت نخواهند کرد، اما کارگران با صلابت و جانانه ایستادند و گفتند که اول مه روز ماست و حق خود میدانیم که در این روز به خیابان بیاییم و اعتراضمان را به بیکاری و فقر و فلاکت اعلام کنیم. از زندان رضا شهابی، منصور اسانلو این رهبران در بند کارگری، به مناسب اول مه پیام دادند و این روز را بعنوان روز اعتراض و همبستگی گرامی داشتند. جنب و جوشی وجد آور که بعد از اول مه در تلاش برای آزادی کارگران زندانی شاهدش بودیم.

در شهر سنندج که مظفر محمدی بعنوان نقطه ضعف حرکت کارگران مورد بررسی قرار داده است کشاکش و جنگ و گریز با جمهوری اسلامی بیشتر بود. در این شهر جمهوری اسلامی که جنب و جوش وسیع کارگران را دیده بود و میدانست که اتفاقی خواهد افتاد، از سه روز قبل دست به احضار و دستگیری فعالین کارگری زد. بدنبال این دستگیری ها کارگران اعلام کردند، که اگر دستگیر شدگان آزاد نشوند، ساکت نخواهند نشست، اعلام کردند که روز جهانی کارگر روز ما کارگران است و ما کارگران خود باید بانی و سازمان دهنده مراسم این روز باشیم. این حق ماست و ما از این حقوق خدشه ناپذیر خود کوتاه نخواهیم آمد. از جمله روز جمعه ۹ اردیبهشت خلیل کریمی که برای گرفتن مجوز برای برگزاری اول مه به فرمانداری سنندج مراجعه کرده بود، دستگیر و بعد از ۴ ساعت آزاد شد و دوباره روز شنبه ۱۰ اردیبهشت دستگیر و بعد از بازجویی مجدد آزاد گردید. همچنین در همین روز شیث امانی، صدیق کریمی و شریف ساعد پناه از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و غالب حسینی، خالد حسینی، یدالله قطبی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفتند. همانطور که اشاره کردم در این بازجویی از این کارگران خواسته شد که تعهد دهند که در مراسم اول مه شرکت نخواهند کرد. اما هیچکدام از این کارگران به این تعهد تن ندادند و از حق پایه ای خود برای برپایی روز جهانی کارگر دفاع کردند. شریف ساعد پناه در

صفحه ۷

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

تظاهرات در حمایت از فراخوان اعتراضی سراسری دانشجویان در ایران - فرانکفورت



کسی گفته است که از توده کارگران جداست؟

در يك كلام مشکل مظفر محمدي كارگر و اتحاد كارگران و مبارزه كارگران و چیزهایی از این قبیل نیست. مشکل مظفر محمدي بن بست يك حزب سیاسی است که بطور واقعی در تحولات سیاسی جامعه جایی ندارد و در نتیجه به جنبشی که خیز برداشته و به جلو می‌رود فرمان ایست میدهد و عملاً در مقابل مبارزات مردم، در مقابل مبارزات كارگران و پیشروی هایش می‌ایستد. و هرروز هم در این جهت بیشتر در باتلاق گیج سری و راست زدن فرو میرود.*

اینچنین اراجیفی را بهم بیافند. گویی فقط این فعالین این چند تشکل کارگری هستند که به زعم ایشان به دلیل جدا بودن از توده کارگران به زنان می‌روند و دستگیر می‌شوند. گویی کارگر هفت تپه و شرکت واحد و نساجی ها و هزاران شرکت و کارخانه دیگر توسط حکومت کثیف اسلامی به زندان نیفتاده اند. آخرمگر کسی شما را مجبور کرده است که در مورد مسائل کارگران حرف بزنید؟ تازه تشکلی که در يك روز بیش از دو هزار کارگر را در يك شهر به خیابان می‌آورد و معلوم نیست اگر فضای سرکوب و بگیر و ببند نبود چند هزار نفر را به راهپیمایی می‌آورد چه

اند. چرا از لغو مجازات اعدام سخن می‌گویند، خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی می‌شوند، از برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی سخن می‌گویند، آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات را حق مسلم خود می‌خوانند، و از خواستهای بخش های مختلف جامعه حمایت و پشتیبانی میکنند. و نه فقط این، کارگران در آن قطعه نامه بر يك هبستگی جهانی کارگری تاکید میکنند و کیفرخواست خود را علیه جامعه ای که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند اعلام میدارند. اینجا جناب خرده بورژوازی ما لباس پراتیسین بر تن میکند و میگوید اینها همه ردیف کردن آرزو هاست. فراکارخانه ایست و بنابراین فرقه ای و ایدئولوژیک است! رهنمودش هم به رهبران و فعالین کارگری اینست که بروید به خواستهای فوری افزایش دستمزدها و قراردادهای موقت خود بچسبید، بروید در محل کار و زیست کارگر تا به کارگر مربوط باشید. تا سکتاریست و فرقه گرا نباشید. این يك گرایش شناخته شده صنفی گرایي و در واقع بورژوازی است که میخواهد کارگر را آنجا که كل جامعه را خطاب قرار میدهد، عقب بکشد و به يك صنف تبدیل کند. نگرشی که نتیجه عملی اش پاسیفیسم و دور کردن کارگر از سیاست است. اما مساله فقط اینها نیست، واقعا انسان میماند به کسی که حتی دستگیری و زندان رفتن های فعالین و رهبران کارگری را هم به حساب فرقه گرایي و غیر اجتماعی بودن خود این کارگران و تشکلهایشان مسمیگذار، چه بگوید. واقعا به این جمله دقت کنید: " .. همین فعالین کارگری هر سال خود تاوان فرقه گرایي و جدایی خود از توده کارگران و خانواده هایشان را می‌دهند. زندان می‌روند و تهدید و گاهای اخراج می‌شوند. این توانی است که این گرایش غیر کارگری و غیر اجتماعی و بیگانه با کمونیسم و کارگر به فعالین کارگری تحمیل می‌کند و نهایتا دودش هم به چشم اتحاد طبقاتی کارگران می‌رود. " براستی انسان باید از همه جا پرت باشد که

از صفحه ۶

اول مه امسال و برافروختگی ...

در يك كلام میخواهم بگویم که آنچه در اول مه امسال اتفاق افتاد يك پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری بود و بدون شك تجربه بزرگی برای کارگران است که از درون آن متحدتر و قدرتمند تر بیرون بیایند و نقطه ضعفهای خود را نیز با اتکا به آنها کنار بزنند. اما بطور واقعی مشکل مظفر محمدي اینست که در اول مه امسال اتفاق مهمی افتاده است و او و حزیش در آن جایی نداشته اند. جریانی فرقه گرا و حاشیه ای که هر گونه تحولی در جامعه را از دریچه موقعیت خود میبیند و به نفعی و انکار همه چیز میرسد معلوم است که نمیتواند در چنین جنبشی جایی داشته باشد و عصبانیت و خشم اینها که تا کنون در قبال مبارزات کارگران و مردم داشته اند و معضلاتی که دارند قابل فهم است. به دستاوردهای اول مه امسال باید يك مورد را هم اضافه کرد و آن افشا شدن هرچه بیشتر چهره جریانات خرده بورژوازی است که وقتی کارگر پیش می‌رود آنها خوششان به جوش می‌آید و عنان اختیار را از کف میدهند. و جشنشان هم زمانی است که مردم یا کارگران به مانعی برخورند تا با تیختر و فیلسوف مابانه "دیدید گفتیم" شان را به سوی آنها پرتاب کنند.

تقلا برای عقب کشیدن کارگران

نکته جالب دیگر نقد مظفر محمدي به قطعه نامه هفت تشکل کارگری است که آشکارا دعوت کارگر به دوری گزیدن از سیاست است. و مینویسد: "قطعه نامه های اول مه نه طرح یکی دو مطالبه سراسری و عاجل از جمله در این دوره افزایش دستمزدها و لغو قراردادهای موقت، برای تحقق یافتن، بلکه ردیف کردن همه آرزوها در اول مه و به بایگانی سپردنش در فردای همان روز است." این حرف یعنی اینکه چرا کارگر در قامت نماینده كل جامعه قد علم کرده و دارد در قطعه نامه اش کیفرخواستش را علیه كل توحش سرمایه داری اعلام میکند. او به این معترض است که چرا کارگران قطعنامه ای داده اند و در آن از دستمزدهای پرداخت نشده فراتر رفته

پاسخ به خواست عدم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر که از سوی مامورین امنیتی مطرح شده بود اعلام کرد: "من يك خانواده چهار نفره کارگری هستم که همگی بیکار هستیم، اعتراض حق من است، روز جهانی کارگر روز ماست و من در تجمعات و اعتراضات این روز شرکت خواهم کرد." همچنین شیث امسانی و صدیق کریمی نیز در دفاع از حق کارگران برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر اعلام کرده اند برگزاری مراسم این روز حق مسلم ماست و شما به جای اینکارها و احضار ما میباید مکان مناسب در اختیار ما قرار میدادید و امنیت آن را نیز تامین میکردید. و علیرغم همه این تهدیدات و دستگیری ها و فشارها اول مه با شکوهی در این شهر برگزار شد. کسی که از این جنگ و گریز و کشاکش خیر داشته باشد بیشتر متوجه میشود که حزب "حکمتیست" چقدر از قافله پرت است.

همزمان با دستگیریهای سنجند در سقز نیز در روز اول مه محمود صالحی را دستگیر کردند و همه این دستگیر شدگان در بازداشت بودند که اول مه برگزار شد. روز ۱۲ اردیبهشت تعدادی از دستگیر شدگان آزاد شدند و غالب حسینی، خالد حسینی، یدالله قطبی از اعضای کمیته هماهنگی و وفا قادری که بعدا دستگیر شده بود در بازداشت ماندند و سرانجام بعد از تجمعات اعتراضی خانواده ها این کارگران به همراه فعالین کارگری شهر سنجند آنها نیز، در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت با قید وثیقه آزاد شدند.

کسی که ذره ای درد کارگر را داشته باشد از این جدال و تلاش جسورانه و شورانگیز کارگران و اینکه در ته ماجرا کارگران بالاخره در اول مه تجمعات خود را برگزار کردند و فضای چندین شهر را تحت تاثیر قرار دادند به وجد می‌آید. اگر کسی ذره ای مشغله تجمعات چندین هزار نفره کارگری و اتحاد سراسری کارگران و حرکتی عظیم ترا هم داشته باشد، صد بار بیشتر ارزش این دستاوردهای امروز را که کارگران با جنگ و دندان از آن حفاظت میکنند میفهمد و آنرا ارجح میگذارد.

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

فرانکفورت و کانادا با

بانک بزودی (کانادا - آمریکا) : تلفن : ۰۰۱-۴۱۶-۷۵۲۳۳۶
۰۰۱-۴۱۶-۲۷۱۷۳۸
ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا) - ونکوور : تلفن : ۰۰۱-۶۰۴-۲۷۲۷۸۹۶
ایمیل : zariasat@yahoo.ca

در اروپا با

اشارات نسبیة تلفن : ۰۰۴۶-۰۱۷۳۲۳۹۱۷۰
ایمیل : nasim_info@yahoo.se

جليل جليلي (انگلسان) : تلفن : ۰۰۴۴-۰۱۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴
ایمیل : jatliliuk@yahoo.com

مهن کوشا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۷۰۵۶۹
ایمیل : mahinkusha@t-online.de

كارل ماركس

سرمایه

(کا پیتال)

جليل جليلي ترجمه

فيله كاتسكي

مقدمه اول

ترجمه جمشید هادیان

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

جنگ باندهای حکومتی و...

از صفحه ۱



محمد شکوهی

طرفه" بوده و جناح دیگر هم به اندازه کافی به جیب زده اسم آنها را نمی شود در فهرست "مفسدان اقتصادی" گذاشت.

اما بدون تردید در فضای جنگ و کشاکشهای موجود بزودی این سازش موقت دولت و مجلس و باندهای حکومتی از هم خواهد پاشید و دوباره پرونده "فساد مالی انحرافیون" مطرح خواهد شد تا باند مشایی، بقایای و ارگانهای وابسته به دولت را از سر راه بردارند. وزارت نفت، گمرکات و بنادر و صادرات و واردات و کارخانه های اتومبیل سازی از جمله عرصه های رویارویی دولت و مجلس و دستجات پیرامون هر کدام از آنها شده اند و افشاگری ها در این زمینه ها ادامه دارد. در همین رابطه سایت مشرق نوشت: "در پی سفر چند ماه قبل مشایی به عنوان نماینده ویژه دولت ایران به کشور بلاروس و با پیگیری های وی، بیش از ۷۰۰ هزار متر از مرغوبترین زمین های شهر مینسک پایتخت کشور اروپایی بلاروس در اختیار شرکت سمگا قرار گرفته است! اما بررسی اسناد، تلاشهای مشایی برای واگذاری رایگان صدها هزار متر از مرغوبترین زمین های شهر مینسک (پایتخت کشور بلاروس) به عوامل اقتصادی خودش را نشان می دهد. بهانه واگذاری این زمین ها به شرکت سمگا که از سوی چند نفر از معاونین سابق مشایی و آقا زاده های وابستگان به وی اداره می شود، ساخت یک دهکده با سبک ایرانی در این زمین ها بوده است. لازم به توضیح است که شرکت سمگا یک شرکت بزرگ مالی با بودجه هنگفت است که مشایی و دولتی ها در هیات مدیره آن قرارداده شده و از طریق آن بسیاری از دزددهایشان را سازمان می دهند. در ادامه این افشاگریها، فارس نوشت: "سوء استفاده های اقتصادی صورت گرفته در پروژه موسوم به پرونده تالار های بین المللی کیش، به صدها میلیارد تومان می رسد". در این پروژه فشارهایی به مدیریت منطقه آزاد کیش وارد شد تا پروژه به فردی به نام یحیی فیوضی از نزدیکان دولت، سپرده شود و این در

حالی است که این فرد به هیچوجه دارای صلاحیتهای فنی برای اجرای این پروژه میلیاردی نبود. برای این پروژه مبلغ ۴۷۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود که به اعتراف دست اندرکاران پروژه و اسناد افشا شده نیمی از این مبلغ بالا کشیده شده است. از طرف دیگر قرارداد این پروژه به شکلی تنظیم شده که راه دزدی های بیشتر را باز می گذارد.

اما جناح مقابل یعنی دار و دسته ها و باندهای وابسته به بیت رهبری و سپاه پاسداران، بویژه قرارگاه خاتم وابسته به سپاه که نزدیک به ۵۰ درصد پروژه های نفت و گاز و لوله گذاری، و پتروشیمی ها را در دست دارد، ادعا دارند که تخلفات در این بخش کم بوده و از گزارش دیوان محاسبات راضی به نظر می رسند. اما کمتر کسی است که نداند گزارش دیوان محاسبات فساد مالی و دزدی باندهای وابسته به بیت رهبری را قلم گرفته و فشار را روی دولت و باندهای وابسته اش گذاشته است. باند خامنه ای رسماً و "بظور قانونی" میلیاردها دلار منابع مالی و پول و اعتبار بی حساب و کتاب در دست دارند، که کسی و ارگانی تا به امروز جرات نکرده در باره این دزدیها و درباره سرنوشت این منابع و پولها علناً و رسماً صحبت کند. افشاگریهای پالیزدار و سرنوشت او نمونه ای از این دزدی های نجومی و افشاگری درباره آن است.

این چند نمونه از دزدی ها و فساد مالی سران حکومت و باندهای دولت و مجلس ها و خامنه ای است که در هفته گذشته و به دنبال اوج گیری دعواهای دولت و مجلس، از زبان مقامات حکومتی افشا شده است. دامنه و ابعاد دزدی و غارت هزاران بار بیشتر از اینهاست. در کنار دعواهای سیاسی باندهای رقیب در سیاست و دولت کل حکومت جمهوری اسلامی، دعواهای مالی، دزدی و فساد و رشوه و غارتگری یک شیوه همیشه معمول و رایج بوده و می باشد. این امور برای رضای خدا و رهبر جایز شمرده شده و در قوانینی که همین حاکمین نوشته اند، خودشان از تعقیب و دستگیری مصون هستند. افشای دزدی های باند خامنه ای توسط پالیزدار، دزدی های میلیاردی رحیمی معاون اول احمدی نژاد، دزدهای ۶۰۰ میلیاردی محصولی وزیر رفاه سابق دولت

صفحه ۹

تظاهرات دهها هزار نفره ...



اساس گزارشات رسمی ۱۹ نفر از تظاهر کنندگان دستگیر شدند. اما این تظاهرات نه تنها در مادرید بلکه در شهرهای بزرگ بارسلون و گرانا و دهها شهر دیگر ادامه پیدا کرد. مردم در میدان پوینتو دلسول مادرید که مقر استقرار دولت محلی است، اجتماع کرده، در آنجا باقی مانده به اعتراضات خود ادامه دادند. صبح روز سه شنبه تظاهر کنندگان توسط نیروهای پلیس از آنجا رانده شدند اما چند ساعت بعد جمعیت بیشتری در میدان گرد آمده و شعارهای بر علیه دست اندرکاران سیاسی و اقتصادی در فضای شهر طنین انداخت. این تظاهرات روز چهارشنبه ادامه یافت، مردم در میدان شهر باقی مانده و بی اعتنا به قانون ممنوعیت تظاهرات، که بخاطر نزدیکی انتخابات محلی، برقرار شده است، شب را در آنجا گذراندند. بیش از ۲۰۰ چادر در این میدان توسط مردم نصب شد. خواست اصلی تظاهر کنندگان تحریم انتخابات محلی است که قرار است روز یکشنبه اول خرداد برقرار شود. بیکاری روز افزون، کاهش وسیع خدمات اجتماعی، افزایش تهیدستی، فساد مالی گسترده، بخش بزرگی از مردم و بویژه جوانان را متوجه ناتوانی مناسبات اقتصادی و سیاسی حاکم و لزوم دگرگونی اساسی آن، نموده است.

تظاهرات های هفته اخیر اسپانیا "تظاهرات بر علیه سیستم" نام گرفته و با جنبش ماه مه ۱۹۶۸ مقایسه شده است. شعار های اصلی اینها است: "ما سیاستمدارانی می خواهیم که به زندگی ما اهمیت بدهند" و "دمکراسی واقعی، همین حالا". یکی از تظاهر کنندگان به یک گزارشگر پر شنونده ترین رادیوی اسپانیا گفت: "ما نمی ترسیم. چند روز است که در این محل هستیم و قصد نداریم اینجا را ترک کنیم."

از صفحه ۱

تظاهر کنندگان مادرید و سایر شهر ها به مردم می گویند که در انتخابات محلی شرکت نکنید. نه به حزب حاکم سوسیالیست رای دهید و نه به احزاب بورژوازی مخالف دولت، سیاستمداران هر دو طرف فاسد هستند. تظاهرات های وسیع اخیر در اسپانیا بر متن ناراضی عمومی و از طریق رسانه های اجتماعی مجازی نظیر فیس بوک و تویتر سازمان داده شده است. این اعتراضات موضوع اصلی مطرح شده در تویتر است و یک شبکه فیس بوک که برای سازماندهی این تظاهرات ایجاد شده بیش از ۵۰ هزار عضو دارد.

در آخرین گزارش صندوق جهانی پول که هفته گذشته منتشر شد وضعیت اقتصادی اسپانیا وخیم اعلام شد. بر اساس همین پیش از ۴۵ درصد جوانان زیر ۲۵ سال اسپانیا بیکار هستند، در این گزارش آنها لقب "نسل از دست رفته"، گرفتند. بیش از ۲۰ درصد جمعیت اسپانیا یعنی در حدود ۵ میلیون نفر بیکار هستند و شرایط زندگی هر روز سختتر و دشوارتر می شود. تظاهر کنندگان اعلام کرده اند که تا پایان یکشنبه اول خرداد به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. هنوز نمی توان در مورد نتایج فوری تظاهرات چند روز اخیر اسپانیا قضاوت کرد اما این اعتراض سراسری می تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. مردم بهبود زندگی خود را در چهارچوب مناسبات اقتصادی و سیاسی حاکم امکان پذیر نمی بینند و بعد از گذشت بیش از ۷۰ سال بار دیگر نقد بنیادهای جامعه سرمایه داری و ضرورت یک تغییر اساسی آنهم در خیابانها و میادین شهرهای بزرگ و اجتماعات وسیع مردم، مطرح گشته است.*

مراسم تدفین محمد و عبدالله فتحی، یک همایش بزرگ علیه اعدام

مادر محمد و عبدالله، فیلمبردار مراسم و چند نفر دیگر دستگیر شدند



دستگیر شدگان است.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۸ مه
۲۰۱۱

minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

International Committee
Against Execution (<http://notonmoreexecution.org>)

International Committee
Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

شمع روشن خواهند کرد. در حضور
جمعیت زیادی که آنجا بودند.

مادر محمد و عبدالله بعد از
مراسم احضار شده است. گفته اند
برای چند سوال و جواب احضار شده
است. تا این لحظه عصر چهارشنبه
خبری از دستگیر شدگان نیست.

کمیته بین المللی علیه اعدام بار
دیگر جمهوری اسلامی را شدیداً
محکوم میکند و به مردمی که در
این مراسم شرکت کردند درود
میفرستد و خواهان اعتراض برای
آزادی مهوش عباسوند و سایر

میزدند و همچنین يك گروه سنج و
دسام در پایان این صف حرکت
میکردند. وقتی صف از خیابان
عطار و اتوبانی که کاملاً بسته شده
بود، به چهارراه رسید، مهوش
عباسوندی سه دقیقه سخنرانی کرد.
او گفت: لباس سیاه پوشیدم و از همه
میخواهم که لباس سیاه بپوشند،
گریه نکنم و گریه نکنید. فرزندان
من دیروز اعدام شدند و من به آنها
گفتم با چشمان باز بمیرید.

مردم زیادی آرام آرام اشک
میریزند و روحیه مادر این دو جوان
را تحسین میکردند. در مسیر راه
بنزهای بزرگی با عکسهای این دو
جوان در خیابانها نیز نصب شده بود.
بعد از دفن پیکرهای این دو جوان
همه مردم به يك مسجد در نزدیک
منزل خانواده فتحی رفته و در آنجا
شعر و سرود خواندند. مردم میگفتند
امشب بر سر مزار این دو جوان رفته و

است. اینها در تصادف کشته نشده
اند، بلکه اینها را دیروز در زندان
اصفهان اعدام کرده اند.

دو ماشین حامل عبدالله و محمد
با عکسهای بزرگی که روی آنها نصب
شده بود، در جلوی صف حرکت
میکرد. در محل دفن و بر سر مزار
این دو، به رسم بختیاریها ۱۰۰ تیر
هوایی شلیک شد. مأمورین حکومت
اسلامی جرات نزدیک شدن به مردم را
نداشتند و از دور نیروی انتظامی
نظاره گر مراسم و نظاره گر خشم و
نفرت مردم بود. یکی از کسانی که
در مراسم شلیک تیر هوایی شرکت
داشت، از سوی نیروی انتظامی
دستگیر شد و سپس فیلمبردار مراسم
هم دستگیر شد.

صف مشایعت کنندگان چنان
طولانی بود که دو گروه ساز و دهل
یکی در اول صف و دیگری وسط
صف حرکت میکرد و ساز و دهل

به گزارش خبرنگار کمیته بین
المللی علیه اعدام از شاهین شهر،
امروز جمعیت زیادی با تشییع پیکر
دو برادر عبدالله و محمد فتحی که
دیروز در زندان مرکزی اصفهان اعدام
شدند، اعتراض و نفرت خود علیه
اعدام این دو برادر را به نمایش
گذاشتند.

طبق این گزارش صدها اتومبیل
با عکسهایی از اعدام شدگان و
چندین اتوبوس، مردمی را که برای
این مراسم آمده بودند، به گورستان
میبردند. در مسیر راه، مردم
بیشتری به این حرکت پیوستند.
پاساژ ملت شاهین شهر کاملاً
تعطیل بود. مهوش عباسوندی مادر
محمد و عبدالله در مسیر راه بارها
حرف میزد و به مردمی که در
خیابانهای مختلف توجه اشان به این
کاروان بزرگ جلب میشد، میگفت
این مراسم تشییع جنازه دو اعدامی

پیام مهوش عباسوندی مادر عبدالله و محمد فتحی

پیام مهوش عباسوندی مادر عبدالله و محمد فتحی

عصر ۲۷ اردیبهشت

اگر فرزندان من یکبار مردند،
قاتلین و شکنجه گران و مسئولین
این پرونده روزی صد بار خواهند
مرد.

آنها روی آرامش را نخواهند دید
مخصوصاً رحیمی و بهرامی و
سرهنگ حسین زاده و حبیب الهی
دادستان اصفهان. وقتی در مقابل دو
پسرم قرار گرفتم و گفتند يك دقیقه
وقت دارید آخرین ملاقات را انجام
دهید به پسرانم گفتم سرتان را بالا
بگیرید و با چشم باز بمیرید و به
چشمهای آن کسی که طناب دار بر

متن پیام مهوش عباسوندی
مادر عبدالله و محمد فتحی
شورباریکی که امروز بعد از اعدام
عبدالله و محمد فتحی به کمیته بین
المللی علیه اعدام رسیده است

این پیام دردناک است اما پر از
روحیه است، پر از انسانیت است. پر
از امید است. پیام مادری است که
همین امروز دو عزیزش را از او
گرفتند اما مادر داغ دیده مانند
کوهی استوار ایستاده است.

سطر به سطر این نامه در عین
حال کیفرخواستی است علیه
حکومت اسلامی. لطفاً وسیعاً توزیع
کنید. به زبانهای مختلف ترجمه
کنید و هرچه وسیعتر توزیع کنید.
بگذار دنیا بدانند این حکومت با
مردم ایران چه میکند.

امیدوارم آخرین قربانیان اعدام
باشند.

یکبار دیگر میپرسم آیا نباید به
آخرین خواست اعدامی ها توجه
کرد؟ فرزندان من دو نامه نوشته اند
که در حقیقت وصیت نامه آنها است.
آنها به من گفتند مادر يك نامه عفو
و بخشش برای تو و پدرم نوشته ایم و
يك نامه به خدا، مستقم برای خدا
نوشته ایم و سوالات خودمان را از او
کرده ایم. به زندانبان گفتم نامه های
فرزندانم را به من بدهید. گفتند اول
باید ببینیم چه نوشته اند و کپی
بگیریم و سپس تحویل میدهیم. این
چه حکومتی است که از نامه دو
فرزند من که دقیقه ای بعد آنها را
اعدام میکند، میترسد و این چه
حکومتی است که وصیت نامه
فرزندانم را هم به من نداده است؟

بودند و جوانان زیادی آرام آرام اشک
میریزند. وقتی آخرین ملاقات
انجام شد و نزد دوستانم برگشتم،
همانهایی که بیرون در منتظر من
بودند، همانهایی که اولین بار می
دیدمشان، گفتم عزیزانم گریه نکنید.
اینها ادعا میکنند که با کشتن دو
فرزند من جامعه ایران پاك میشود و
مشکلات از این جامعه رخت بر می
بندد، پس خوشحال باشید که با قتل
دو عزیز من قرار است آرامش به
جامعه ایران بازگردد! قرار است دیگر
کسی گرسنه سر بر بالین نگذارد و
کسی شکنجه نشود! قرار است دیگر
کسی از گرسنگی نمیرد! قرار است
همه مصائب این جامعه که از سر و
روی ما بالا میروند تمام بشود! به
جوانانی که در سحرگاه خونین امروز
اشک میریزند گفتم فرزندان من
اولین قربانیان اینها نبودند اما

گردنتان می اندازد نگاه کنید.
سوال من این است که در کجای
دنیا رسم است حتی اجازه ندهند
مادر و فرزندان که قرار است اعدام
شوند با خیال راحت همدیگر را در
آغوش بگیرند. فرزندان من خواستند
دستان را باز کنند و يك لحظه مرا
در آغوش بگیرند، گفتند نمیشود. در
کجای دنیا به آخرین خواست محکوم
به اعدام گوش نمیدهند! پسرم گفت
میخواهم مامانم را بغل کنم، دستم
را باز کنید. نکردند گفتند قانون
است. به پسرانم گفتند ببینید چه
کشور قانونمندی داریم! گفتم من
دستهایم را دور گردن شما می اندازم.
من شما را بغل میکنم همانطور که
از کودکی تا الان بغل تان میکردم.
ما سحرگاه امروز در مقابل در
زندان اصفهان بودیم. جمعیتی که
آنها را نمی شناختم در کنار من

شناسد. هرچه بن بست و بی آیندگی
کل حکومت بیشتر عیان و عمیق
میشود این دردیها هم بیشتر ابعاد
چپاول بخود میگیرد و هرکس در
فکر اینست که ثروتهای کلانی را
انباشت کند و در این یا آن گوشه دنیا
برای روز مبادا ذخیره نماید.*

از صفحه ۱۰

يك هدف دارند و آن سازماندهی و
تلاش برای دزدی و چپاول و غارت هر
چه بیشتر است. جمهوری اسلامی
بطور واقعی چیزی جز حکومت دزدان
و قاتلان و گانگستر های اسلامی
نیست که وظیفه و سیاستی جز
کشتار، سرکوب و دزدی و چپاول نمی

جنگ باندهای حکومتی و...

احمدی نژاد و دزدیهای کلان باندهای
وابسته به سپاه و شرکتهای تابعه، و
بیت رهبری امور طبیعی و ذاتی
جمهوری اسلامی است. حکومت
اسلامی از تعدادی باند های مافیائی
و گانگستری اقتصادی و مالی
گانگستری تشکیل شده است که همه

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات
متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و
غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس
ابد باید لغو شود.

از "يك دنياي بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

اعدام قتل عمد دولتی است!



هستند و نه به اصلاح و مرمت آن توهمی دارند و تنها راه نجات از بختک جمهوری اسلامی را اعتراض و مبارزه متشکل و سراسری حول مطالبات واقعی شان می دانند و در این راه هر کسی بخواد با رژیم اسلامی مدارا کند و یا آن را به هر شکلی حفظ کند مطرود و منزوی خواهد شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری سازمان جوانان کمونیست ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۵مه ۲۰۱۱



صحنه ای از حمایت دانشجویان دانشگاه ریودوژانیرو در برزیل از سکینه و هوتن کیان ۶ مه ۲۰۱۱ بدنبال سخنرانی مینا احدی

کمپین نجات سکینه سهیم و شریک بودند، دعوت می کنیم که برای آزادی سکینه و هوتن کیان تلاش کنند و جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۶مه ۲۰۱۱، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

خامنیه ای و احمدی نژاد و سران جنایتکار اسلامی، خواهان لغو حکم اعدام دو برادر شدند. جمهوری اسلامی ایران با این جنایت پرورنده سیاه و قظور جنایاتش را قظورتر کرد و نفرت و انزجار عمیقی را در اذهان و قلبهای میلیونها نفر بر جا گذاشت. این حکومت باید فوراً سرنگون شود. سران جنایتکار این دستگاه بیرحم و سنگدل اسلامی که راحت ترین کارش، قتل عمد و جنایت علیه جوانان است، باید فوراً دستگیر و محاکمه شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام به خانواده محمد و عبدالله صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم و اندوه آنها شریک میداند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۷مه ۲۰۱۱

زندانیان سیاسی هستند، خواهان لغو جداسازی های جنسیتی و برابری زن و مرد هستند. دانشجویان به فقر و فلاکتی که حکومت اسلامی به زندگی مردم تحمیل کرده است اعتراض دارند و این همه را در بیانیه های اعتراضی شان به مناسبت ۲۵ اردیبهشت اعلام کرده اند. این حرکت می تواند گام مهم و موثری در ایجاد تشکل سراسری و فراگیر دانشجویان حول مطالبات فوق باشد. سازمان جوانان کمونیست به همه کسانی که دست اندر کار برگزاری روز ۲۵ اردیبهشت بوده و در آن شرکت کرده اند درود می فرستند. همانطور که دانشجویان در فراخونهای ۲۵ اردیبهشت خود اعلام کرده اند دانشجویان و جوانان و همه مردم نه برای حکومت اسلامی مشروعیتی قائل

شکنجه به صحنه تلویزیون آورد و رسانه های حکومتی همچون پرس تی وی در نقش بازجو ظاهر شدند و هر کاری توانستند کردند اما همه این تشبثات نتوانست جمهوری اسلامی را از زیر بار فشار افکار عمومی بین المللی علیه حکم سنگسار یا اعدام سکینه نجات دهد. حالا حکومت اسلامی در مورد سکینه خفقان گرفته و پرونده را عملاً مسکوت گذاشته است.

لازم به توضیح است که هوتن کیان وکیل سکینه در زندان مورد اذیت و آزار بیشرمانه ای قرار گرفته و حتی حکومت او را تهدید به اعدام کرد. اکنون طبق آخرین اخباری که به دست ما رسیده، هوتن را به ۱۱ سال زندان محکوم کرده اند.

ما یکبار دیگر از همه نهادهای بین المللی، از همه کسانی که در نکتید به اعدام و به این بی حقوقی ها اعتراض کنید.

بعد از این ملاقات و دقایقی بعد، اعلام میکنند که هر دو را اعدام کرده اند. اکنون در اصفهان و در منزل این دو جوان، صدای شیون و گریه مادر او و تعداد زیادی از مردم به گوش میرسد که شب را بیدار مانده و علیه این جنایت وحشتناک، علیه این شرارت جانینان اسلامی حاکم بر ایران، شعار داده و با پلاکاردهایی در دست خواهان نجات جان این دو جوان بودند.

از دیروز که خبر این اعدام به بیرون درز کرد، هزاران نفر از طریق اینترنت و فیس بوک و تویتر به این حکم اعتراض کرده و در تلویزیون کانال جدید تعداد زیادی از مردم، با ابراز همدردی با خانواده این دو جوان و ابراز انزجار از

مزدوران حراستی آمده و در مقابل دانشگاه مستقر شده بودند تا از تجمع دانشجویان جلوگیری کنند.

استقبال بیش از ۳۶ دانشگاه از فراخوان اعتراض و اعتصاب سراسری ۲۵ اردیبهشت و مشارکت هزاران دانشجو در این حرکت هماهنگ و سراسری نشان دهنده پتانسیل و اشتیاق و عزم و اراده دانشجویان و جوانان برای مبارزه متشکل و هماهنگ با خواسته های رادیکال و آزادخواهانه علیه رژیم اسلامی ست. دانشجویان خواهان برطرف کردن فضای اختناق و سرکوب و برچیدن بساط کمیته های انضباطی و حراست و همه نیروهای سبب نظامی و سرکوبگر از دانشگاه ها هستند، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همکلاسی هاشان از زندان و همه

اطلاعیه شماره ۱۲۴: سکینه محمدی آشتیانی بار دیگر به رسانه های برزیل رفت

قرون وسطایی بسیاری از مردم جهان پیاخاسته و اعلام کردند که دیگر نمیگذارند کسی را در هیچ جای دنیا سنگسار کنند. این نقطه پایانی بر سکوت رسانه ها و دولتها در مقابل جنایت علیه بشریت یعنی سنگسار در قرن بیست و یکم بود.

در برزیل رسانه ها در جریان کمپین نجات سکینه، اخبار این کمپین را وسیعاً منعکس کردند و بارها با فعالین این کمپین مصاحبه کردند و آکسیون هائی برای نجات سکینه در برزیل سازمان داده شد. سکینه بدنبال این کمپین به یک چهره آشنا برای مردم برزیل تبدیل شد. جمهوری اسلامی در مقابل این اعتراضات جهانی، دروغ گفت، شانتاژ کرد، قربانیان را با تهدید و فشار و

۲۵ اردیبهشت: طنین مرگ بر دیکتاتور در دانشگاه تهران

را در ادامه اعتراضات خود تعطیل کردند. دانشجویان دانشگاه های امیر کبیر و آزاد واحد علوم و تحقیقات نیز به مناسبت روز ۲۵ اردیبهشت در دانشگاه های خود راهپیمائی اعتراضی برپا کردند. دانشجویان و اساتید دانشگاه ساری و قائم شهر نیز در این دانشگاه ها تجمع های اعتراضی برپا کرده اند.

در دانشگاه های سوره، آزاد واحد باراجین، آزاد واحد اراک و مشهد نیز دانشجویان در صدد برپایی تجمع های اعتراضی بودند که با ایجاد فضای سنگین امنیتی توسط اوپاش رژیم موفق به پیوستن به هم و برگزاری تجمع و راهپیمائی نشدند. در اراک گارد ضد شورش با لباس های مخصوص به کمک

امروز ۲۵ اردیبهشت طبق اعلام قبلی بیش از ۳۶ دانشگاه در ایران روز اعتصاب و اعتراض سراسری و هماهنگ علیه فضای سرکوب و اختناق و اعتراض به جمهوری اسلامی در دانشگاه ها بود.

صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران امروز با شعار "مرگ بر دیکتاتور" در محوطه دانشگاه تجمع و راهپیمائی کرده و سایر دانشجویان را به پیوستن به خود فراخواندند. این در حالی بود که مزدوران حراستی و لباس شخصی ها با عکس برداری از دانشجویان و کنترل تردد آنان در صدد ارباب و متفرق کردن دانشجویان بودند. علاوه بر راهپیمائی دانشجویان تعدادی از کلاس های درس

روز اول ماه مه ۲۰۱۱ هیئتی متشکل از مینا احدی و پتی دوینیتاس از سوی کمیته بین المللی علیه سنگسار به برزیل رفته و در کنفرانسها و ملاقاتها، یکبار دیگر از ضرورت تلاش برای نجات سکینه محمدی آشتیانی صحبت کردند و مقامات دولت برزیل و دانشجویان و مخاطبین رسانه ها را به ادامه این تلاش فراخوان دادند.

این سفر به دعوت بنیاد ملنیوم در برزیل بود و مینا احدی روز سوم ماه مه، در یک کنفرانس در دانشگاه سانویاولو و روز ۶ مه در سخنرانی در دانشگاه ریو دو ژانیرو، در مورد اهمیت کمپین جهانی نجات سکینه و آخرین وضعیت او صحبت کرد و از شرکت کنندگان در این جلسات خواست

محمد و عبدالله فتحی در زندان اصفهان اعدام شدند!

آخرین پیام دو برادر به مادرشان: برای ما عزاداری نکنید. به این جنایت در همه جا اعتراض کنید!

زندان شده و دو فرزندش را ببینند. او میگوید همه ما را که وارد زندان شدیم بازید بدنی کردند و عبدالله و محمد را در حالیکه دستبند و پابند داشتند نزد ما آوردند. عبدالله از آنها میخواهد که اجازه دهند، مادرش را بغل کند. مامورین حکومت جنایت، مانع میشوند. رحیمی شکنجه گر آنها آنجا ایستاده بود و نگاه میکرد. مادرشان میگوید آخرین درخواست یک اعدامی را مراعات نمیکنید. جواب اینست که از بالا دستور داده اند این اجازه را ندهیم. محمد و عبدالله به مادرشان میگویند به همه دنیا بگویید که بی گناه هستیم و برای ما گریه

جنگ ایران و عراق به دنیا آمدند. ترس و وحشت از بمبارانها و شرایط جنگی باعث شده بود که هر دو مشکلات روحی داشتند. پدر و مادر زحمتکش و فرهنگی آنها سه فرزند خود دو پسر و یک دختر را با زحمت و مرارت بزرگ کردند و امروز در زندان اصفهان با سنگدلی و شقاوت دو برادر و دو فرزند بیژن و مهوش فتحی را در حالیکه در مقابل در زندان تجمع اعتراضی برپا شده بود و در حالیکه مردم معترض با ماموران درگیر بودند، اعدام کردند.

در ابتدا به مردم گفتند که حکم اجرا نمیشود. مادر محمد و عبدالله صبح زود امکان پیدا میکنند وارد

محمد و عبدالله ۲۷ و ۲۸ ساله امروز سه شنبه ۱۷ ماه مه در زندان اصفهان اعدام شدند. خانواده این دو جوان به مردم ایران و دنیا اعلام میکنند که فرزندان آنها، با شکنجه و تهدید به تجاوز، مجبور به اقرار علیه خود شده و با پرونده سازی جنایتکاران اسلامی تا پای جوخه دار رفتند.

سحرگاه خونین روز سه شنبه ۱۷ ماه مه، در زندان اصفهان جمهوری جنایت اسلامی دستش به خون دو جوان آلوده شد، که هیچ جرمی نداشتند. این دو برادر محمد و عبدالله فتحی در آبادان بعد از روی کار آمدن حکومت وحشت و ترور اسلامی و در جریان

اطلاعیه ۱۰۴

اتحادیه وردی بزرگترین سندیکای مشاغل خدماتی آلمان خواهان آزادی فوری

منصور اسانلو از زندان شد

بدنبال تلاش های بین المللی در زمینه جلب همبستگی کارگری در حمایت از کارگران ایران، ماتیساس فلیکشو از جانب اتحادیه وردی بزرگترین سندیکای مشاغل خدماتی آلمان با بیش از دو میلیون عضو، طی اطلاعیه ای در پاسخ به نامه های ارسالی از سوی نهادها و جریانات مختلف سیاسی ایرانی به این اتحادیه، مراتب حمایت خود را از کارگران ایران اعلام داشته و خواستار آزادی فوری منصور اسانلو ریئس هیات مدیره سندیکای واحد از زندان شد.

منصور اسانلو بیش از ۴ سال است در زندان است و شش سال حکم زندان دارد. وضعیت جسمی منصور اسانلو وخیم است و سه رنگ قلب او مسدود و نیاز به عمل جراحی فوری دارد. علیرغم تاکیدات پزشکان وی مبنی بر وضعیت بد جسمی وی، جلدان جمهوری اسلامی او را همچنان در زندان نگاهداشته اند. در بخشی از اتحادیه وردی (ver.de) آمده است: "وضعیت رئیس اتحادیه اتیوسرانی تهران که شما توصیف کرده اید برای ما روشن در رابطه با این موضوع تا کنون

است و ما نیز خشم خود را از بازداشت و آزار او توسط دولت ایران و قوه قضاییه اعلام می کنیم. یک بار دیگر دولت ایران ماهیت دیکتاتوری و ضداجتماعی خود را با تعقیب منتقدان دموکراتیک و ممنوعیت فعالیت های آزاد سندیکایی نشان داده است."

گفتنی است که شهناز مرتب از فراخوان دهندگان کمپین برای آزادی کارگران زندانی و عضو فعال اتحادیه وردی در فرانکفورت نیز در تماسی منظم با این اتحادیه همواره در زمینه اطلاع رسانی از مبارزات کارگران و مردم ایران و کارگران زندانی تلاش کرده و این اتحادیه بارها و بارها حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران در ایران اعلام داشته است. در آخرین تماس شهناز مرتب با این اتحادیه به مناسبت اول مه امسال اتحادیه وردی بار دیگر، ضمن اعلام انزجار از دستگیری و زندانی کردن کارگران در ایران بخاطر مبارزه برای پایه ای ترین حقوق خود، حمایت خود را از مبارزات کارگران در ایران اعلام داشتند.

از سوی بزرگترین اتحادیه های کارگری در سطح جهان اعلام حمایت و پشتیبانی شده است. از جمله هم اکنون ۵ اتحادیه بزرگ کارگری در کشور فرانسه در اعتراض به سرکوبی های جمهوری اسلامی و برای آزادی کارگران زندانی از زندان برای روز ۹ ژوئن فراخوان به اعتراضی تظاهراتی ایستاده در مقابل دفتر سازمان این روزمان جهانی کار (آی ال او) در ژنو داده است. ما همگان را به شرکت فعال در این حرکت اعتراضی فرامیخوانیم.

یک جنبه مهم کار ما برای تقویت مبارزات کارگران و مردم ایران، تلاش برای جلب بیشترین همبستگی جهانی کارگری است. ما خواهان آزادی فوری کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان هستیم. ما خواهان اخراج جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و اعدام از تمام مراجع جهانی کار از جمله سازمان جهانی کار هستیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۱۷ مه ۲۰۱۱

اطلاعیه شماره ۱۰۳

پنج اتحادیه سراسری کارگری در فرانسه در همبستگی با کارگران ایران فراخوان به

تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان جهانی کار دادند

خود هستند، به کار گیرند." ما این همبستگی شورانگیز جهانی کارگری را ارج میگذاریم و از همگان میخواستیم که به این فراخوان پیوندند. ما در این تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان جهانی کارگر حضور خواهیم یافت. ما خواهان اخراج جمهوری اسلامی این رژیم اعدام و سرکوب از همه مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار هستیم ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان هستیم. کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۱۷ مه ۲۰۱۱

۵ اتحادیه سراسری کارگری در فرانسه کنفدراسیون سراسری کارگران فرانسه CGT، کنفدراسیون دموکراتیک سراسری کارگران CFDT، اتحادیه همبستگی فرانسه FSU، اتحادیه دموکراتیک همبستگی SUD، اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل UNSA در اعتراض به جمهوری اسلامی و در همبستگی با کارگران ایران فراخوان به تظاهرات ایستاده در روز ۹ ژوئن در مقابل دفتر سازمان جهانی کار در ژنو دادند. در این فراخوان به سرکوب کارگران در اول مه سنندج، به زندان بودن و تهدید و فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و زیر پا گذاشته شدن

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

00447779898968

0044-7852 338334

shahla_daneshfar@yahoo.com

bahram.soroush@gmail.com

شهلا دانشفر

بهرام سروش



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248
آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

نیمه آزاده ۱۰۰ دلار، تینا ۲۰۰ دلار
آقای حمیدی ۱۰۰ دلار، سعید صالحی نیا ۶۰۰ دلار

بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد گردند!

کنسرت در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



His Voice, Her Voice
Charity Concert In Aid of
20 June 2011
Global day of action
in support of political prisoners in Iran
29 May 3.00pm

Yasmin Rowe - mezzo
&
Sam Brown - classical guitar
Recital Hall, Regis School of Music
46, Sudley Road, Bognor Regis PO21 1ER
Tickets: £8.00 (Under 18 & full students) £4.00
Phone 01243 866462 or email: recital@livedirect.co.uk



هر چه بیشتر برگزار نمایید!
هر چه بیشتر برگزار نمایید!
در بیستم ژوئن امسال یکبار دیگر اعلام میکنیم:
زندانیان سیاسی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند.
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲۰ آوریل ۲۰۱۱ برابر با ۳۱ فروردین ۱۳۹۰

سیاهچالهای مخوف اوپین و رجایی شهر و همه زندانهای بیشمار جمهوری اسلامی حماسه ای عظیم است. این مبارزات شورانگیز لایق بزرگترین حمایت های و پشتیبانی های بین المللی است! هزاران زندانی سیاسی و خانواده های مضطرب و نگران شان چشمشان به اقدامات بین المللی ماست.

شما میتوانید در این روز در اشکال متنوع از زندانیان سیاسی در ایران حمایت کنید: برپایی تظاهرات در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی؛ ارسال نامه اعتراضی به رژیم و نامه به سازمانهای بشردوستان؛ برگزاری شب همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران؛ فشار به دولت کشورهای محل اقامتشان برای واکنش نشان دادن به جنایات رژیم و محکوم کردن آن؛

افشاگری در رابطه با جنایات رژیم و آگاهگری در میان مردم کشور محل اقامتشان؛ با دهها ابتکار دیگر شما میتوانید روز بیستم ژوئن را با قدرت

میلیونها انسان شریف و نعدوست را در کنار ما قرار میدهد تا امر دفاع فوری و اضطراری از هزاران زندانی سیاسی و صدها عزیزی که هر آن چوبه دار زندگیشان را تهدید میکند را میسر کند. یورش و گروگان گیری دائمی از میان مخالفان سیاسی، رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی، اخبار هولناک اعدامهای دسته جمعی، کسب و کار هر روزه این حکومت است.

بیستم ژوئن فقط یکروز نیست! یک کمپین وسیع برای سازمان دادن جنبشی اعتراضی است که میخواهد جهان متمدن را برای پشتیبانی از خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران بسیج کند! واکنشی بین المللی نسبت به خطرات جدی که جان عزیزان ما را در زندانهای جمهوری اسلامی تهدید می کند، ایجاد نماید. بیستم ژوئن در عین حال سبیل اتحاد و عهد و پیمان ما برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و پایین کشیدن چوبه های دار است! مبارزات زندانیان سیاسی در

بیستم ژوئن روز عهد و پیمان دوباره ما برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و خاتمه دادن به دستگاه جنون و جنایت جمهوری اسلامی است!

مردم، آزادیخواهان، انسانهای شریف!

جهانیان باید بدانند که این حکومت با جنایت و کشتار پابرجاست! باید بدانند که جمهوری اسلامی با چوبه دار و کشتار و شکنجه و زندان متولد شده است و با خونریزی ادامه حیات میدهد! باید با خیر شوند که این حکومت از وحشت انقلاب و خیزش و قیام مردم حاضر است دست به هر جنایتی بزند تا ساعتی بر عمر کثیف خود بیفزاید! این حکومتی درنده است که در پرونده فردی و جمعی حاکمیتش صدها فقره قتل عمد خوابیده است!

جهانیان باید زجرنامه هزاران زندانی سیاسی را در طی عمر پرنیکت جمهوری اسلامی بشنوند و از حقایق هولناک این حکومت آدمکش با خبر شوند. این صدای رسای ماست که جهانیان را،

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران را گرامی بداریم



کمیته برای آزادی کارگران زندانی
زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد
باید گردد
۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۱۹ مه ۲۰۱۱
تبدیل کنیم.

سیاسی از زندان شد. اکنون که اجلاس سازمان جهانی کار در راه است، میتوان به این اجلاس نامه داد و ضمن اعتراض به شرکت هیات جمهوری اسلامی در آن، خواهان آزادی فوری کارگران زندانی شد. روز ۲۰ ژوئن را به یک روز مهم اعتراض خود برای آزادی زندانیان سیاسی تبدیل کنیم.

های زندانیان سیاسی، چسباندن عکس زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در همه جا، پخش تراکت، نوشتن شعار زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد باید گردد، و با ابتکارات مختلف در اعتراض سراسری روز ۲۰ ژوئن شرکت کرد. میتوان به نهادهای بین المللی نامه نوشت و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان

تظاهراتهای روز ۲۰ ژوئن فرامیخواند. در هرکجا که همس با عکس ها و پوسترهای زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، منصوراسانو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، رضا رخشان و بهنام ابراهیم زاده در این آکسیونها شرکت کنیم و همبستگی خود را با زندانیان سیاسی اعلام کنیم. در ایران نیز میتوان با پیوستن به تجمعات خانواده

روز ۲۰ ژوئن برابر ۳۰ خرداد از سوی سازمانها و نهادهای مختلف آزادیخواه، از جمله کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عنوان روز اعتراض جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اعلام شده است. کمیته برای آزادی کارگران زندانی، از برگزاری این روز حمایت کرده و همه انسانهای آزادیخواه را به پیوستن به

تظاهرات در لندن و اسلو در بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

کنسرت در حمایت از ۲۰ ژوئن
روز جهانی حمایت از زندانیان
سیاسی در ایران
انگلیس: لندن

29 May 3.00 pm
46, Sudley Road,
Bognor Regis
PO21 1ER
tel: 01243 866462

تلفن اطلاعات: شیوا محبوبی
07572356661

اسلو - نروژ
شنبه ۱۸ ژوئن، ساعت ۳ الی ۵
بعدازظهر
در مقابل پارلمان

تلفن اطلاعات: ابولقاسم کاردار
۰۰۴۷۴۱۳۳۲۲۶۸

بیستم ژوئن روز عهد و پیمان دوباره ما برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و خاتمه دادن به دستگاه جنون و جنایت جمهوری اسلامی است!

لندن انگلستان

دوشنبه ۲۰ ژوئن، ساعت ۶ الی ۸ غروب، در مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

همهانگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!